

فارسی کرمان

مفتار سوم

واگه‌ها

۱-۳ فارسی کرمان گذشته از واگه‌های ساده فارسی کنونی دارای واگه‌های تناری است که آنرا در دیگر زبانها بگونه /ə/ و انویسی میکنند. و ما آنرا بگونه /ë/ نمایانده‌ایم و در جای خود از آن سخن خواهیم گفت (رک، ۲-۳).

i u
e ë o
a â

گزارش واگه‌های ساده در بخشهای باز بی‌لنگر کوتاه است و در دیگر بخشها کمی کشیده‌تر است.

کمی کشیده	کوتاه	واگه
šënid	šënidan	i
tëleng	setam	e
maske	tëma	a
kut	kutâ	w
tox-kâr	xoru	o
fëtërât	tâtu	â

دگرگونی در واگه‌های /a/ و /e/ و /i/ بیشتر روی میدهد و در واگه‌های /â/ و /u/ و /o/ کمتر و از اینرو بروش دیگران گروه نخست را ناپایدار و گروه دیگر را پایدار مینامیم (رک. ابدال واگه‌ها).

ککش واگه‌ها در برخی واژه‌ها باندازه‌ی زیاد است که بسادگی آنرا میتوان دریافت و این ککش بیشتر بجای واگی است که در فارسی آن واژه‌ها گزارش میشود و در کرمانی میافتد (رك. ۲-۲۳ و ۲۴-۲) واگه‌های کشیده را بانسانه‌یی که زیریاری آنها گذاشته‌ایم از دیگر واگه‌ها باز میشناسیم.

	i	e	a	u	o	â	کوتاه
(۱)	ī	ē	ā	ū	ō	â	کشیده

۲-۳ واگه /ə/ که در بالا از آن یاد کردیم نثار است و گزارش آن میانه /a/ و /e/ است باگشادگی میانگین. /ə/ ککش و تکیه نمیندیرد در آغازواژه و پس از /h/ یی که در آغاز واژه باشد در نمیآید در پایان واژه گاهی میآید ولی هیچ وقت در پایان روندگفتار نمیآید (رك. ۴-۷ /ə/) و جای آن همیشه در بخش باز است.

۳-۳ گزارش دو واگه /ou/ نزدیک بگزارش o در واژه انگلیسی so است و /ow/ گزارش غیر شهری آن است که به ou انگلیسی در واژه foul نزدیک است و این گزارش در فارسی نیست. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
گزارش دو واگه /ey/ همانند گزارش آن در فارسی کنونی و نزدیک به /ey/ در واژه key انگلیسی است (رك. ۱-۲ و ۴-۸ و ۴-۹).

گفتار چهارم

ابدال واگه‌ها در فارسی کرمان

/i/ ۱-۴

بجای /u/

در xande-sirun «خنده‌سوران».

*šim «شوم».

*tênir-cu «چوب‌تنور» (تنور چوب).

*bid «بود».

بجای /e/

در šiš «شش».

بجای /â/

در *oftidan «افتادن».

*vâsidan «ایستادن».

۲-۴ /e/

بجای /a/

در endâxtan «انداختن».

endâze «اندازه».

deryâ «دریا».

feryâd «فریاد».

tešte «تشته».

teryâk «تریاک».

dendun «دندان».

بجای /â/

در re «را».

بجای /i/

در târeki «تاریکی».

hec «هیج».

resmun «ریسمان» ،

در / meš/

بجای / mi-še... :

mešnâsi «میشناسی» .

mešmâri «میشماری» .

در / mes/

بجای / mi-se/ :

mestuni «میستانی» .

bextan «ببختن» .
پیش از /x/ در کنشهای

rextan «ریختن» .

gorextan* «ریختن» .

/ a / ۳-۴

بجای / â /

ta «تا» «لا» . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

aftow* «آفتاب» . پرتال جامع علوم انسانی

/ u / ۴-۴

الف : /un/ بجای /ân/ فارسی میآید مانند :

goldun «گلدان» dokun «دکان» .

soltun «سلطان» .

irun «ایران» (کشور). در نامزن irân گفته میشود. mosalmun

«مسلمان» .

بجای /on/

nâxun «ناخن» .

ب : /um/ بجای /âm/ :

در tümum «تمام» .

در bënüm «بنام» .

در harum «حرام» .

در ʔolum «غلام» .

در برخی از واژه‌های تازی مانند eslâm «اسلام» ؛ emâm «امام» و selâm

«سلام» /âm/ بجا مانده است ولی در واژه peyʔum-ê selum «پیغام

وسلام» /um/ شده است .

۴-۵ /o/

بجای /e/

در پیشاویز التزامی یا امری هر جا که /be/ پیش از بخش /o/ دار یا /u/ دار باز

در آید bo میشود مانند :

bodo «بدو» ، boxorim «بخوریم» ،

bogu «بگو» ، boku «بکوب» .

bokošan «بکشند» . (ودر فارسی کنونی نیز چنین است)

بجای /a/

در âvordan «آوردن» .

بجای /â/

الف : در nom-xodâ «نام خدا» . hâlo «حالا» ، bâlo «بالا» .

در پس‌شمار /...to/ بجای «...تا» مانند carto «چهارتا» .

در /...ʔo/ «...جا» هر گاه در پایان واژه همبست در آید مانند kojo «کجا» ،

hej-jō «هیچ جا» .

ب : در gozoštan «گذاشتن» ، doštan «داشتن» که /oš/ بجای /âš/ آمده است .

ج : در oftou* «آفتاب» و oftoue* «آفتابه» که /of/ بجای /âf/ آمده است .

بجای /u/

در morik* «مورچه» ، gok* «غوك» .

٤-٦ / â /

بجای /o/

در arâl «آغل» .

بجای /a/

در ârus «عروس» .

بجای /e/

در âstâ «آهسته» .

٤-٧ / ê / در بخشهای باز بی لنگر :

الف : گاهی بجای /e/ مانند kêtâb «کتاب» .

ب : بیشتر بجای /a/ مانند kërîm «کریم» ، bêhâr «بهار» ، kâsel

«کسل» ، demu «دموک» نقاخ .

ج : بجای /o/ در واژههایی مانند bêruz «بروز» ، šemâ «شما» و بجای

/o/ پیوند (عطف) فارسی در برخی جاها مانند :

del-ê gorde «دل وقلوه» sër-ê bar «سر ولباس» .

د : بندرت بجای â

در bâlê-dargâ «بالا درگاه» hâlê dëge «حالا دیگر» .

ه : بجای / u /

در واژه‌های «عروسی، عروسان» ârësun «عروسک» .

یادداشت :

گزارش / ë / همیشه پایدار نیست .

در واژه‌هایی مانند dêraxt بهیچ نزدیک است و میتوان گفت که بگزارش

درنمی‌آید .

در واژه‌هایی چون gëdâ و tégic نثار است و در jëvun و këtâb به / e /

نزدیک میشود و از اینرو میتوان آنرا دگر گونه / e / پنداشت .

در جاهایی که بجای o پیوند فارسی می‌آید گزارش آن گاهی از / ë / به o بسته

میگراید که آوانوشت درستتر آن / o / است ولی از آنجا که در گزارش آن هماهنگی

در مردم نیست برای دریافت و نمایش دگرگونی‌های آن به بررسی بیشتری نیاز

است که در آن وسیله‌یی خرده سنج‌تر از گوش بکار رود و اکنون ما درهمه جا آنرا

بگونه / ë / می‌آوریم .

۴-۸ /ey/ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بجای / i /

در «عید» eyd ، «بیده» beyde .

۴-۹ /ou/

بجای /âb/

در گزارش غیرشهری واژه‌های :

ou «آب» ، aftou «آفتاب» .

portou «پرتاب» ، mâtou «ماهتاب» .

xou «خواب» ، tou تاب .

toue «تابه» ، dušou «دوشاب» .

sangou «سنگاب» .

بجای /âv/

در gou «گاو» .

بجای /ab/

در tou «تب»، šou «شب» .

بجای /â./

در šenou «شنا» .

بجای /af/

در dërouš «درفش» . در oušin «افشان»، kouš «کفش» .

در ousâr «افسار»، ouyun «افغان» .

گفتار پنجم

تکیه و آهنگ

۱-۵ تکیه گاه واژه‌ها در کرمانی با فارسی کنونی تفاوت چندانی ندارد در

اینجا مجال بازنمایاندن تکیه گاه واژه‌ها در فارسی نیست.^۱

در هریک از نمونه‌های زیرین از کرمانی :

(1) xordam

(2) šenidi

دو تکیه گاه میتوان یافت :

۱- روی آخرین بخش (پساویز) :

(3) xordám «خورده‌ام» .

(4) šënidí «شنیده‌ای» .

۱- رجوع شود به «وزن شعر فارسی»، تألیف دکتر پرویز ناتل خانلری (صفحه ۱۲۰).

که زمان گذشته مرکب است .

۲- روی بخش پیش از آخر (آخرین بخش بن کنش) :

(5) xórdam «خوردم» .

(6) šēnīdi «شنیدی» .

که گذشته ساده است .

در کنش هایی که دارای پیشاوینند تکیه بر روی پیشاوین است :

(7) mí-re

(8) má-do

(9) be-de

و اگر چند پیش آوین با کنش باشد تکیه گاه نخستین پیش آوین است :

(10) né-mi-xâm

(11) vár-mi-garde

تکیه گاه نام وصفت آخرین بخش است .

(12) xandún

(13) qâlí

(14) taxté

(15) xormâ-beríz

(16) dëbúng

(17) kufté

(18) mundení

این تکیه در بانگ و فریاد روی نخستین بخش واژه می آید :

(19) ey xódâ

(20) áziz

(21) kál māmud

(22) (1) áferin

(23) éyballâ

(24) ékbir

(25) úrum

۱- در این گفتار بعلمت کمبود وسیله /á/ را بجای /â/ گذاشته ایم .

نام‌های فاعل و مفعول و فرزام همانند نام و صفت تکیه می‌گیرند (رك. 12 و 17 و 18).
ضمیرهای جدا همانند نام تکیه می‌پذیرند و ضمیرهای پیوسته تکیه ندارند.

(26) šémí «شما» .

(27) zéd-am «زدم» .

(28) zéde-tam «مرا زد» .

(29) bíl-am «بیلیم» .

نشانه جمع دارای تکیه است :

(30) mard-ú «مردها» .

(31) zāmat-keš-ú «زحمتکشان» .

آنچه را که در فارسی حرف قید گوئیم در بخش نخست تکیه می‌گیرد :

(32) šúyad «شاید» .

(33) véli «ولی» .

(34) bálkon «بلکه» .

در قید پرسش یا حرف پرسش نیز تکیه هست :

(35) kí «کی؟» .

(36) ké «که؟» .

(37) cé «چه؟» .

و در چند بخشی‌ها روی بخش آخر است :

(38) kodún «کدام؟» .

(39) cojó «کجا؟» .

در قیده‌های همبست اگر /œ/ باشد تکیه روی آنست :

(40) cérâ «چرا؟» .

(41) cé-vax «چه وقت؟» .

(42) cé-jur «چه جور؟» .

حرکت اضافه تکیه ندارد :

(48) sër-e šáb «سرسب» .

(44) zevâl-e zōr «سر ظهر» .

/ i / (ی) مصدری تکیه‌دار است :

(45) mard-í «مردی» .

(46) zāmat-keš-í «زحمتکشی» .

/ i / (ی) نکره و وحدت بی تکیه است :

(47) mard-i «مردی» .

(48) zāmat-kéš-i «زحمتکشی» .

/ i / (ی) پساویز دوم شخص تنها نیز بی تکیه است ولی تکیه بخش پیش از

آن زیادتر (از 47 و 48) است :

(49) mard-i «تو مردی» .

(50) zāmat-kéš-i «تو زحمتکشی» .

۲-۵ آهنگ گفتار در زبان فارسی به تکیه واژه‌ها وابسته است زیرا تکیه

در این زبان از آهنگ (زیر و بم) و کوبش درست میشود. و تکیه واژه‌ها در جمله‌مایه

آهنگ گفتار است و باد گرگون شدن آهنگ گفتار در یک جمله اندیشه‌ای که در آن

نهفته است عوض میشود. در نمونه‌های :

(51) mí-tarsam↓ «میتروسم» .

(52) mí-tarsam↑ «میتروسم؟» .

(58) mī-tarsám↑ «میتروسم...» .

از يك واژه یا جمله سه اندیشه درمی یابیم . افزایش تکیه در شماره (52) معنی پرسش میدهد و پیدایش آن در بخش آخر شماره (53) ناتمام ماندن جمله را می رساند . در شماره (51) که تکیه در جای نخستین خود نشسته است آهنگ آن ساده یا طبیعی است ، در شماره (53) نخستین تکیه واژه کاهش یافته است و بر روی (mi) تکیه سبکی است که ما آنرا بگونه (ï) نمایانده ایم و بانسانه تکیه (í) فرق دارد .

در اینجا باید افزود که آهنگ گفتار تنها وابسته به کنش یا يك واژه از جمله نیست بلکه درواژه های دیگر هم میتوانند کارگر شود .

↓ tē az korbāre mí-tarsi «تو از قورباغه میترسی» .

↑ tē az korbūre mí-tarsi «تو از قورباغه میترسی؟»

یا بعبارت دیگر آهنگ گفتار از همبستگی همه تکیه ها پیدا میشود ولی در کنش جمله نمایان تر است .

برای نمونه در زیر یکی از داستانهای بومی کرمان را نشانده گزاری میکنیم در اینجا تنها به نشانه گزاری تکیه سنگین واژه ها پرداخته ایم و افزایش و کاهش آهنگ گفتار را با ↑ و ↓ نمایانده ایم .

کرمانی

↓ bāce fíl | az jú jékíd |

↓ xeštékeš dēríd |

↑ rāf píš-e nanés |

↓ góf | nāne nāne dendúnékam |

↓ az dārd-e dendún koftékam |

↓ az dārd-e kóf šákulékam |

فارسی

بچه فیل از جو جهید ،

خشتکش درید ،

رفت پیش ننهش ،

گفت: ننه ننه! دندونکم ،

از درد دندون ، لبکم ،

از درد لب ، بیخ فکم ،

az dârd-e šâkúl gušékam↓	از درد بن فك گوشكم ،
az dârd-e gušák cešmekam↓	از درد گوشك چشمكم ،
az dârd-e cešmák sêrékam↓	از درد چشمك سر كم ،
az dârd-e sâr gardênékam↓	از درد سر گردنكم ،
az dârd-e gardân dastékam↓	از درد گردن دستكم ،
az dârd-e dâs qulenjekam↓	از درد دستك كتفكم ،
az dârd-e qulénj poštékam↓	از درد كتفك پشتكم ،
az dârd-e pôš pestunékam↓	از درد پشت پستونكم ،
az dârd-e pestún delékam↓	از درد پستون دلكم ،
az dârd-e dél pâluyékam↓	از درد دل پهلویكم ،
az dârd-e pâlú nâfékam↓	از درد پهلو نافكم ،
mórdam↑elúji kón nâne↑	مردم علاجی کن ننه !
nâne fíl↑harf-ú-re šêníd↑	ننه فیل، حرفها رو شنید .
góf nâne nâne qorbúnetam↑	گفت : ننه ننه قربونتم ،
heyrúnetam↑	حیرونتم ،
sedeqé belâ gardúnetam↑	صدقه بالا گردونتم ،
âtêš-e sêr-e qalyúnetam↑	آتش سر قلیونتم ،
u-jó-yi ke dârd mí-kone bógu↓	اون جایی که درد میکنه بگو !

گفتار ششم

بخش بندی

۱-۶

بخش بندی از کارهای بنیانی در نگارش زبان یا گویش ولهجه است و برای هموار ساختن راه بررسی و کاوش در این زمینه‌ها ناگزیر باید بآن پرداخت.

بخش بندی فارسی کرمان نزدیک به فارسی کنونی است و اگر در زبان فارسی در این باره کوشش چندانی نشده و سخنی بسامان نرفته است از اینروست که زبان شناسی ولهجه نگاری در ایران بتازگی پای گرفته است و بینادی کهن ندارد. کوشش ارزنده آقای دکتر خانلری درباره بخش بندی در کتاب « وزن شعر فارسی » مرا از بسیاری سخن بی نیاز میدارد. من چندین جدول از بخشهای گوناگون فارسی کرمان فراهم آورده‌ام که در چاپ آنها دشواری پدید آمد با اینهمه کوشیده‌ام تا نمودارهایی که از آنها ساختم روشن و رسا باشد.

نمودار هر واگه را در یک صفحه آورده‌ام و همه بخشهایی را که از آن واگه در فارسی کرمانی یافته‌ام در آنجا باز نموده‌ام.

واگهای سر آغاز بخشها را در ستون چپ جدول گذاشته‌ام و واگهای پایانی را در خط بالای جدول. از روی این جدولها با هر واگه تا چهار جور بخش درست می‌شود:

تک واگه مانند /â/ از یک واگه تنها

باز مانند /kâ/ از یک آواگ و یک واگه

یکسویه مانند /âr/ از یک واگه و یک آواگ

پر یابسته مانند /kâr/ از یک واگه در میان دو آواگ

از دو واگه‌ها تنها دو جور بخش میتوان یافت:

دو واگه تنها مانند /ou/ از يك دو واگه
 دو واگه پرمانند /gou/ از يك آواگ و يك دو واگه
 از واگه‌های کشیده نیز دو گونه بخش بدست می‌آید:
 کشیده تنها مانند /ā/ از يك واگه کشیده.
 کشیده پر مانند /tā/ از يك آواگ و يك واگه کشیده.
 با واگه نثار يك جور بخش درست میشود: /tə/ یا /tə/ .
 برای اینکه بدانیم چه بخشهایی با هر واگه درست میشود باید بجدول همان
 واگه بنگریم.

برای یافتن بخشی مانند /câp/ در جدول â واگ c را از ستون چپ و
 واگ p را از خط بالا و جای برخورد خط و ستون را در توی جدول پیدا میکنیم
 نشانه + در برخورد گاه خط و ستون نشانه بودن این بخش است و جای خالی
 نشانه نبودن آنست. بخش /kâx/ در فارسی کرمان نیست و اگر در جدول â برخورد گاه
 x (از سمت چپ) و (از بالای جدول) را در توی جدول پیدا کنیم نشانه‌یی
 در آنجا نمی‌بینیم.

نشانه پرسش (?) در جدول نمودار بخشی است که در فارسی کرمان نیست و
 و از زبانی بیگانه بآن راه یافته است. در جدول 1 نشانه پرسش در برخورد گاه
 p ستونی و p کرانی نمودار بخش بیگانه /pip/ است که از زبانی دیگر آمده است
 و در فارسی بومی چنین بخشی نیافته‌ایم.

بخشهای باز در ستون دوم از سمت چپ و بخشهای یکسویه در خط دوم از
 بالای جدول جا دارند.

/ d / یا / t / بیفزاییم این دو بخش بصورت /ârd/ یا /kârt/ درمیآید ولی این واژه‌ها دیگر يك بخشی نیستند و هر کدام دارای دو بخش‌اند که آنها را بگونه / â-rd / و /kâ-rt/ بخش میکنند .

اینگونه بخش‌بندی بانهاد زبان فارسی چندان سازگار نیست .

واژه اروپائی / pist / را بگونه /pi-st/ بخش میکنند و دربخش دوم /st/، / s / را چون از / t / گشاده‌تر است بجای واگه، مرکز یا رأس (هسته) بخش میدانند و بند آواگ /st/ در هر جای واژه بجای يك بخش شمرده میشود و واژه فرنگی Stratégie را نیز بگونه st-ra-te-gi بخش میکنند ولی در زبان فارسی همین واژه باافزایش / e / در آغاز استراتژی گزارش و بگونه /es-te-ra-te-gi/ بخش میشود زیرا در فارسی گزارش دو آواگ پیایی مانند /st/ در آغاز واژه ناشدنی است و بگفته دستورنویسان: «ابتدا بساکن محال است» پس هر زبان ویژگیهایی دارد که شاید در زبان دیگر یافت نشود و از آنجا که بند آواگ /st/ در زبان مادر آغازواژه واژه نمیآید، در پایان واژه نیز میتواند راهی را که بانهاد زبان ما سازگارتر است در پیش گیرد .

ما در اینجا با بخش‌بندی واژه‌های اروپایی سر و کار نداریم و نیز از این‌که بخش بندی /pi-st/ در کدامیک از زبانها درست است درمیگذریم .

از آزمایشهای آواشناسی چنین برمیآید که بدنال گزارش واژه / pist / واگه بسیار سبکی است که با گوش آنرا نمیتوان دریافت، ولی دستگاه آوانگار (cymographe) آنرا می‌نگارد .

این واگه سبک و نتار را اگر بگونه / θ / نمایش دهیم در این آزمایش آوانوشت درستتر / pist / بگونه / pistθ / درمیآید و بخش بندی درست آن / pis-tθ / میشود و در فارسی نیز میتوان واژه‌های بیست، راست، سفت، برد و تند را بهمین روش بخش کرد :

. / ton-d^θ / و / bor-d^θ / / sef-t^θ / / rās-t^θ / ، / bis-t^θ /

با این روش دشواریهای دیگری که در بخش بندی واژه‌هایی چون /meyl/ ،
/ goud / و /šēr/ با آنها روبرو هستیم از میان می‌رود و بخش بندی آنها بدینگونه
درمی‌آید :

. /šē-r^θ / و / gou-d^θ / / mey-l^θ /

زیرا کشش هر یک از این واژه‌ها در فارسی بیش از یک بخش است و دو بخش
کردن آنها نیز باروش پیشین ، ممکن نیست .

همچنین اگر واژه /ârt/ را بگونه /â-rt/ بخش کنیم ناگزیر در روند گفتار
این بخش بندی درهم میریزد و /rt/ درمیانه *â* و واگه دیگری که پس از آن در آید
ازهم می‌گسلد :

. /âr-te-jou/ ، /âr-to-bâr/

و اگر بخش بندی آنرا بگونه /âr-t^θ/ بپذیریم در روند گفتار نیز پابرجا
میماند و دشواری تازه‌یی هم از این رهگذر پیش نمی‌آید .

0 (+)

	p	b	f	v	m	t	d	n	l	r	s	z	c	j	š	ž	y	k	g	q	x	γ	'	h
	o	+	+	+		+	?	+	?	+	+	+			+		+			+	+	+		+
p	+	+		+		+	+	+		+	+	+			+		+			+	+			
b	+					?	+	+	+	+		+		+	+	+		+		+	+	+		
f	+							?		+	+				+									
v	+					+									+									
m	+			+		+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+		+				+		
t	+	+	+	+		+			+	+	+	+										+	+	
d	+		+			+			+	+	+	+			+		+					+		
n	+	+				+	+			+		+			+		+			+	+	+		
l	+	+	+	+		+	+			+		+		?		?		+			+	+		
r	+	+	+	+		+	+	+		?		+	+	+	+			+	+	+	+			
s	+		+	+		+			+	+	+			+		+		+				+	+	
z	+								+	+														
c	+			+	+	+	+		+	+	+				+					+				
j	+		+	+		+			+	+	+	+						+			+			
š	+	+		+		+	+		+	+	+				+			+			+	+	+	
ž																								
y	+		+			+		?	+		+	+												
k	+	+	+	+		+	+		+	+	+		+	+				+				+		
g	+	+		+		+			+	+	+		+	+	+	+		+						+
q	+	+		+		+	+	+	+	+	+	+												
x	+		+	+		+	+	+	+	+	+							+						
γ	+					+			+	+	+	+												
'																								
h	+	+	+	+		+		+	+	+	+				+	+		+						+

ë (ə)

از واگه /ë/ بنهایی بخش ساخته نمیشود و با آواگه تنها بخش باز میسازد بجز آواگهای /' / و /h / که قبل از /ë/ در نمیآیند .

در کرمانی واژه‌بی‌را که دارای بخش /žë/ باشد نیافتم ولی نایابی آن بعلمت کمی کاربرد آواگ /ž / در زبان فارسی است و گرنه گزارش یا هستی بخش /žë/ در کرمانی شدنی است .

پس از بخش /ë/ دار هر گاه بخشی درآید که با /y / آغاز شود /ë / ی بخش نخست بگزارش در نمیآید :

/m(ë) yun/ ، /s (ë) yâ/ زیرا آواگ /y / و واگه /i / همدراین دو گزاره آنها بهم نزدیک است از اینرو میتوان /y / را نیمه واگه پنداشت و آوای واژه /së yâ / و مانده‌های آنرا بگونه /syâ / نوشت ولی در بخش بندی گونه نخستین خورا تراست .

دو واگه‌ها

۳-۶

/ey/ گاهی یک دو واگه ساده و گاهی دو واگه جدا است و تفاوت این دو در گزارش آنها است که اگر کوتاه و پیوسته گزارش شود یک دو واگه ساده است و اگر کمی دراز و جدا گزارش شود دو واگه جدا است چنانکه گزارش واژه عربی زید بفارسی /zeyd / است و /ey/ دو واگه جدا است و در کرمانی که کوتاه و پیوسته گزارش میشود /ey/ دو واگه‌بی ساده است .

/ou/ در کرمانی همیشه یک دو واگه ساده است و جدا از هم گزارش نمیشود و گزارش آن با /ov/ نیز مایه اشتباه نمیگردد زیرا بخش /ov/ در کرمانی نیست .

یادداشت :

بند آواک بخشی است که تنها با آواک درست شود و در آن واگه نباشد : /sm/ ، /tr/ .
 بند آواک در آغاز واژه‌های فارسی درنمی‌آید و چنانکه در آغاز گفتار باز نمودم پندار
 من چنین است که بند آواک را در زبان ما جایی نیست و آنچه را که بند آواک شناخته‌اند درست
 این است که دوپاره کنیم و پاره‌یی را وابسته بخش نخست و پاره دیگر را بخشی جداگانه بشمار
 آوریم و /do-ro-st/ را بگونه /do-ros-tθ/ بخش‌بندی کنیم ولی چون نخستین بار است که از
 این پندار سخن میرانیم و پذیرفتن آن همه کسی را آسان نخواهد بود از اینرو آنچه را که در
 درکرمانی بینداری میتوان بند آواک دانست در جدول آخر فراهم آوردیم تا بخش‌بندی زبان
 و بررسی این پندارها در آینده انجام گیرد و کار یکسره شود .

واژه‌های تازه (۲) *

توضیح	انگلیسی	فرانسه	واژه :
لحن	Intonation		آهنگ
تقطیع	Syllabary	Syllabation	بخش‌بندی
اصل	Radical		بن
	Stable		پایدار
متمم‌عدد	Numeral particle	Particule numéral	پس‌شمار
پیشوند فعل	Preverb	Préverbe	پیش‌آوین
متصل	Enclitic	Enclitique	پیوسته
حرف ربط	Conjonction		پیوند
(رک. ۵-۱)	Stress	Accent	تکیه «و»
مفرد	Singular	Singulier	تنها
صفت لیاقی	Future participle	Participle future	فرزام
شدت	Intensity	Intensité	کوشش
انفتاح	Aperture		گشادگی
خنثی	Neuter	Neutre	نتار
	Unstable	Instable	ناپایدار

* قسمت اول در شماره پیش چاپ شده است .